

## چرا کودک تان لجباز است؟



سر و کله زدن با انسانی لجباز و یکدنده به منظور پذیرش نظرات و خواسته هایمان، کاری عبس و فرساینده تلقی می شود؛ هر چند دلایل متفاوتی می تواند باعث شود که فرد بصورت موضعی و در موضوعی خاص لجبازی کند اما کماکان مردمی هستند که ذاتا لجبازند و در مقابل تغییر، مقاومت می کنند و به هیچ وجه راضی نمی شود تا از نظر خود کوتاه بیاید.

\*فائزه ناصح: سر و کله زدن با انسانی لجباز و یکدنده به منظور پذیرش نظرات و خواسته هایمان، کاری عبس و فرساینده تلقی می شود؛ هر چند دلایل متفاوتی می تواند باعث شود که فرد بصورت موضعی و در موضوعی خاص لجبازی کند اما کماکان مردمی هستند که ذاتا لجبازند و در مقابل تغییر، مقاومت می کنند و به هیچ وجه راضی نمی شود تا از نظر خود کوتاه بیاید.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه توسعه ایرانی به باور کارشناسان روانشناسی پرسش حائز اهمیت آن است: تا به حال برایتان پیش آمده به طور عمیق صرف نظر از مثبت یا منفی بودن برداشت خویش از واژه «لجبازی»، به معنای آن فکر کرده باشید؟

به نظر شما چه کسی لجباز اطلاق می شود؟ در پاسخ می توان گفت از نظر والدین «لجبازی» نقطه مقابل حرف شنوی است؛ بنابراین والدین در پی این هستند که فرزندان حرف شنو پرورش دهند و دائم در تربیت به آن ها متذکر می شوند که مثل کودکی من باش.

حال با فرض اینکه شما در کودکی حرف شنو بوده اید، آیا تا به حال به سوالاتی از قبیل اینکه شما چه کارهایی انجام می دادید که فرد حرف شنویی قلمداد می شدید و به عبارتی جزو کودکان لجباز نبودید، فکر کرده اید؟ چه عوامل و شرایطی در حرف شنو بودن شما موثر بوده اند؟ آیا این عوامل و شرایط اکنون در ارتباط با فرزندان نیز وجود دارد؟ اگر این عوامل و شرایط وجود دارد، پس چرا کودک تان حرف شنو نیست و لجباز است؟

روانشناسان بر اساس پژوهش ها و تحقیقات انجام شده معتقدند «لجبازی» یکی از خصایص انسانیت است که از دوران کودکی می تواند در وجود وی پرورش یابد؛ اگر والدین روش های تربیتی مناسب را برای پرورش فرزند خویش به کار نبرند، این صفت ناپسند تا بزرگسالی و چه بسا تا آخر عمر همراه فرد باقی خواهد ماند. بنابراین «لجبازی» به عنوان یکی از رفتار های ناسازگارانه به صورت های مختلفی همچون ناسزا گفتن، گریه کردن، فریاد کشیدن، شکستن و پرت کردن وسایل، آسیب رساندن به خود و دیگران، پا کوبیدن بر زمین و غیره به منظور بدست آوردن خواسته ها و نیاز هایشان استفاده می شود.

در این میان نیز بسیاری از والدین با پاسخ های غلط همچون کوتاه آمدن، باج دادن و بها دادن به خواسته های فرزند خویش منجر به پرورش و گسترش رفتار نامطلوب لجبازی در وی می شوند. بنابراین در اکثر مواقع خود والدین مقصران اصلی شکل گیری بسیاری از صفات ناپسند در شخصیت فرزند خویش هستند.

بر اساس تحقیقات روانشناسی نمی توان برای لجبازی محدوده سنی خاصی را تعیین کرد؛ ولی شیوع رفتار لجبازی بیشتر در سنین 2 تا 5 سالگی است زیرا کودکان در این سنین بیش از دوران های دیگر زندگی بدنال کسب هویت، استقلال و خود باوری هستند.

البته این خصیصه انسانی در دیگر دوران های زندگی همچون ایام نوجوانی برای بدست آوردن استقلال طلبی نمود پیدا می کند؛ و در مراحل بزرگسالی و میانسالی نیز افراد ممکن است برای رشد و دفاع از عقاید و هویت خود در برابر دیگران و همچنین کنترل زندگی خویش از لجبازی استقبال کنند.

روانشناسان بر این باورند لجبازی کودکان در انحصار یک علت و یا یک عامل نیست و فاکتور های متعددی در پیدایش و توسعه روحیه لجبازی دخالت دارند. یکی از علت های اصلی «محبت افراطی والدین» است؛ در چنین الگوی فرزندپروری، تمام خواسته های کودک بدون هیچ معطلی پاسخ مثبت داده می شود و چنین کودک کی خواه نا خواه با روحیه لجبازی کردن پرورش می یابد.

به گونه ای یاد می گیرد نیاز ها و خواسته های خود را با لجبازی و تند خویی بدست آورد. از طرف دیگر نیز «محرومیت های عاطفی و بی توجهی والدین» به نیاز های طبیعی و علاقه مندی های فرزندشان سبب می شود تا کودک در محیطی فاقد از مهر، صمیمیت و صفا رشد کند؛ چنین محیطی که از امنیت خاطر لازم و کافی برخوردار نیست، بتدریج منجر به پرورش کودک کی پر از عقده و لجباز می شود که با روحیه تندخویی و کل کل کردن با دیگران درصدد جبران عقده ها و ناراحتی های خویش است.

باتوجه به مطالب مطرح شده به والدین تاکید می شود در به کار بردن الگو ها و سبک های فرزند پروری جانب احتیاط را رعایت کنند و با استفاده از روش تربیتی مقتدرانه، خواسته های فرزند خویش را در زمان مطلوب و در موقعیت مناسب، متناسب با شرایط سنی و نیاز آنها پاسخ دهند.

البته بهتر است خانواده ها حتما از مشورت متخصصان روانشناس استفاده نمایند تا مسیر پرورش و تربیت شکوفه های زندگی خویش را با مهارت بیشتری پشت سر بگذارند.

\*دکترای روانشناسی عمومی